

مجموعه آثار شهید حسن باقری ۴/



گزارش روزانه جنگ

جلد دوم

شش ماهه اول ۱۳۶۰

تنظیم و تدوین: احمد دهقان

سرشناسه: انشردی، غلامحسین (حسن باقری)؛ ۱۳۳۲-۱۳۶۱.

عنوان و نام پدیدآور: گزارش روزانه جنگ/ تنظیم و تدوین احمد دهقان

مشخصات نشر: تهران: مرکز نشر آثار شهید حسن باقری، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۵ ج؛ مصور، عکس.

فروست: مجموعه آثار شهید حسن باقری/ دبیر مجموعه فتحالله جمفری؛ ۲: ۴.

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

شابکد (نورم): ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۳۶-۰۰-۱ ج. ۱: ۱۴۰۰۰۰ ریال؛ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۳۶-۰۰-۱ ج. ۲: ۱۴۰۰۰۰ ریال؛

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

ملاحظات: ج. ۱: شش ماهه دوم ۱۳۵۹-، ج. ۲: شش ماهه اول ۱۳۶۰.

موضوع: انشردی، غلامحسین (حسن باقری)؛ ۱۳۳۲-۱۳۶۱.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- شهیدان

شناسه افزوده: دهقان، احمد؛ ۱۳۳۵- گردآورنده

شناسه افزوده: جمفری، فتحالله

ردیفی: شماره: ۱۳۸۹ الف ۷ الف/ DSR ۱۶۲۶

ردیفی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۴۳۹۷



مجموعه آثار شهید حسن باقری ۲

گزارش روزانه جنگ / جلد دوم

دبیر مجموعه: فتح الله جعفری

تنظیم و تدوین: احمد دهقان

امور اجرایی: مهدی امیریان

مدیر هنری: محمد صمدی

طراح جلد: کوروش یارستزاد

ناشر: مؤسسه انتشارات شهید حسن باقری

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک جلد: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۳۴-۱-۷

شابک دور: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۳۴-۵-۵

بهاه جلد: ۱۴۰۰۰۰ ریال / بهاه دوره نهجندی: ۶۷۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: تهران / خیابان فاطمی / خیابان پروین اعتصامی / چهارراه شهید فکوری / شماره ۱۵ / ساختمان شهید حسن باقری

تلفکس: ۸۸۰۰۳۴۱۷ ۸۸۰۲۶۵۱۱-۳

تلفن همراه: ۰۹۱۲۱۳۳۱۹۹۸ ۰۹۳۷۱۳۳۱۹۹۸

www.hasanbagheri.com

www.hasanbagheri.org

www.hasanbagheri.ir

جمع آوری اسناد: احمد نوریان / ملکه محمد لاری زاده / اسید محمد علی شیخ الاسلام / سبه علیر / الیلا فدایی / مریم کریمی

عکس: سعید صادقی

نقشه: زهرا موذنی / اسمر آذرنک / سیدمهدی موسوی / الیلا شهبازی

حروفچینی: امیر ادرسی / زهره محمدی / فیهه ساویر

مونه‌خزنی: عصمت دهقان نیری / حمید مرتضوی

امور وابسته: فاطمه جعفریگل / فاتره کریمی / مهروش مزید آبادی / سبه مدینی / سعیده عقلی مقدم / زهره خسروچرندی / حسین جعفری

آرشیو و بانک اطلاعات: مریم درگامی‌پور

تنظیم نمایه‌ها: جعفر گلشن‌روغنی

هرگز به غرور داری از این گشت، تا ذکر همه نجات است.

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۲۸	فروردین ۱۳۶۰
۹۰	پیوست فروردین ۱۳۶۰ (عکس‌ها)
۹۳	پیوست فروردین ۱۳۶۰ (نقشه‌ها)
۱۰۰	اردیبهشت ۱۳۶۰
۱۵۸	پیوست اردیبهشت ۱۳۶۰ (عکس‌ها)
۱۶۲	پیوست اردیبهشت ۱۳۶۰ (نقشه‌ها)
۱۶۶	خرداد ۱۳۶۰
۲۲۲	پیوست خرداد ۱۳۶۰ (عکس‌ها)
۲۲۶	پیوست خرداد ۱۳۶۰ (نقشه‌ها)
۲۳۰	تیر ۱۳۶۰
۳۱۸	پیوست تیر ۱۳۶۰ (عکس‌ها)
۳۲۱	پیوست تیر ۱۳۶۰ (نقشه‌ها)
۳۲۴	مرداد ۱۳۶۰
۴۱۲	پیوست مرداد ۱۳۶۰ (عکس‌ها)
۴۱۶	پیوست مرداد ۱۳۶۰ (نقشه‌ها)
۴۲۰	شهریور ۱۳۶۰
۵۳۶	پیوست شهریور ۱۳۶۰ (عکس‌ها)
۵۳۹	پیوست شهریور ۱۳۶۰ (نقشه‌ها)
۵۴۳	فهرست اعلام

تاریخ جنگ‌ها همواره معرف چهره‌های برجسته‌ای هستند که به‌عنوان یک سرمایه ملی، جوامع را به مطالعه درباره خود فرا می‌خوانند. در جنگ هشت ساله (دفاع مقدس)، در میان افراد شاخص و نخبگان ممتاز آن دوران، شخصیت حسن باقری (غلامحسین افشردی) به‌عنوان یکی از بنیانگذاران مکتب دفاعی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، درخشش خیره‌کننده‌ای دارد. او در ۲۸ ماه عمر پر حاصل خود، از اول مهر ۱۳۵۹ و ورود به خوزستان تا نهم بهمن ۱۳۶۱ روز شهادتش در فکه، علاوه بر طراحی و اجرای عملیات مهم، با شناخت دقیق از دشمن و تسلطی که بر منطقه جغرافیایی جنگ و تغییرات حاصل از آن داشت، به تشکیل اطلاعات عملیات و آرشو جنگ اهتمام ورزید و سپس با تسلط بر جبهه خودی و دشمن و تغییرات لحظه به لحظه آن، در تشکیل سازمان رزم، کادر سازی و تربیت فرماندهان تاثیرگذار و کارآمد نقش اساسی داشت.

حسن باقری، با همیاری چند فرمانده شاخص دیگر، مبتکر نظریه جدیدی در جنگ و مقابله با متجاوزین شد که توانست استراتژی جنگ را تغییر دهد. او ادبیاتی را وارد مسایل دفاعی کرد که تا آن دوران سابقه نداشت و به سرعت توانست با تسلط بر زمین نبرد و دشمن، به توانایی آن‌ها پی‌برد و راه مقابله را پیدا کند. وی جنگ را فرصت طلایی برای رشد استعدادها می‌دانست، چنان‌چه نوشت: «این جنگ فرصت‌های طلایی بسیاری را جهت رشد استعدادها به ما داده است. نیروهای ما با توجه به بُعد انقلابی که دارند و چشم و گوش بسته

تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند، می‌توانند از قالب‌های پیش ساخته خارج شوند و با فکر سازنده خویش، روش‌هایی را ابداع کنند که دشمن نخواهد توانست به‌سادگی به‌دفاع در مقابل آن‌ها برخیزد.»

او نظریه‌پرداز بزرگ نظامی بود که در جایگاه فرمانده عالی‌رتبه جنگ، توانست توازن قوا را به‌نفع جمهوری اسلامی تغییر دهد. چنان‌چه دشمن هم به این توانایی اعتراف کرده و گفته است: «اطلاعات ایران [حسن باقری] در حملات خود اطلاعات کامل و دقیقی در خصوص یگان‌های ما اعم از خطوط حد، فرماندهان، شکاف‌ها، نقاط آسیب‌پذیر، محل استقرار قرارگاه‌ها و مواضع توپخانه و حتی مناطق اداری در اختیار داشته و از این طریق توانسته است طرح‌های خوبی تهیه نموده و آن‌ها را به‌دقت به اجرا درآورد.»

حسن باقری، پیش از تکیه بر تجهیزات و قدرت نظامی، متکی به ایمان و فکر بود و با تغییر ادبیات جنگ، توانست فرهنگ علوی و عاشورایی را که برگرفته از اسلام و مکتب وحی بود، وارد جنگ کند. او با اتکاء به قدرت لایزال الهی و تحت رهبری امام خمینی «ره» راهی را برگزید که این مسیر، چراغ راه آیندگان در دفاع ارزشمند ملت ایران شد. چنان‌چه در دست‌نوشته‌های خود آورده است: «چیزی که دشمنان و آمریکایی‌ها را به‌تنگ می‌آورد، این است که ما در فکر کردن به بن‌بست نمی‌رسیم و این باعث می‌شود در عمل نیز به بن‌بست نرسیم.»

ستاد احیای تفکر سردار شهید حسن باقری از سال ۱۳۸۱ همزمان با بیستمین سالگرد شهادت آن بزرگوار کار خود را آغاز کرد. هدف از تشکیل این ستاد، تدوین و انتشار آثار حسن باقری در طول ۲۸ ماه حضور او در جبهه‌ها بود. وی آثار ارزشمند فراوانی به‌جای گذاشته است که عرضه آن‌ها به‌عنوان یک میراث و سرمایه گران‌سنگ، برای تاریخ مقاومت مردم ایران، فریضه فرهنگی محسوب می‌شود.

در گام اول، زمان‌بندی دو ساله‌ای برای جمع‌آوری آثار تعیین شد. در گام بعدی، قرار بود طی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ کار تدوین آثار جمع‌آوری شده به اتمام رسیده و چاپ شوند، اما به‌دلیل وجود مشکلات متعدد، پروژه از حرکت باز ماند تا این که از آبان ۱۳۸۶ بار دیگر کار ادامه یافت.

پنج جلد اول از آثار حسن باقری، از جمله کتاب حاضر مربوط به گزارش‌های روزانه جنگ است. کار تدوین این پنج جلد از سال ۱۳۸۱ آغاز شد که به‌طور پیوسته تا پایان سال

۱۳۸۸ ادامه یافت و به حمدالله به سرانجام رسید. آثار بعدی نیز به تدریج پس از تدوین توسط نویسندگان مختلف آماده انتشار می گردد که از جمله آنها می توان عناوین زیر را برشمرد: اسناد (در پنج جلد)، یادداشت های روزانه جنگ (یک جلد)، روزنوشت ها (یک جلد) و... شایسته است از سردار سرلشکر دکتر غلامعلی رشید به خاطر ایفای نقش برجسته در تأسیس ستاد احیای تفکر شهید حسن باقری و سردار سرلشکر دکتر محمد باقری، همچنین مادر بزرگوار ایشان که همیشه یاری کننده این حرکت بوده اند، تقدیر شود. انتشار این آثار همچنین مرهون حمایت سرداران و یادگاران دفاع مقدس: سیدیحیی صفوی، عزیز جعفری، حمید اصلانی، محمدباقر قالیباف، جمال آبرومند، قاسم سلیمانی، مرتضی صفاری، مسعود مهردادی، امیر حیات مقدم، علی اکبر خوش لهجه، سیدرضا حسینی، علی اصغر نوروزی، حسن پلارک، مرتضی سرهنگی، سیدمحمد هادی ایازی و ناصر امانی است که از همگی آنان قدر دانی می کنیم.

مؤسسه انتشارات شهید حسن باقری
فتح الله جعفری

پیشگفتار

حسن باقری (غلامحسین افشردی) فقط ۲۸ ماه در جنگ هشت ساله حضور داشت اما هرگاه که صاحب نظران دفاع مقدس درباره آن دوران به گفت و گو می پردازند، از این فرمانده با عناوینی مانند نابغه، درشت مغز، بسیار باهوش، استراتژیست، طراح، پدر جنگ در سپاه و... نام می برند. این القاب چنان با نام او عجین شده است که هیچ گاه درباره کس دیگری این گونه صحبت به میان نمی آید. او که بود و چه کرد که امروز دو دهه پس از خاموش شدن آتش توپخانه ها نامش همچنان برده می شود؟ نقش او در آن ۲۸ ماه چه بود که تمام جملات این چنینی فقط در وصف وی گفته شده؟ آیا او در طی جنگ تحمیلی چنین چهره ای از خود نشان داد یا قبل از آن نیز در زندگی شخصی دارای چنین ویژگی هایی بود؟ برای بازشناسی ابتدایی از شخصیت وی باید به یک واقعه تاریخی اشاره کرد. در عملیاتی که در ابتدای سال ۱۳۶۱ در غرب دزفول انجام گرفت، قرارگاه نصر به فرماندهی او در سرزمین های چین خورده غرب رود کرخه پیش رفت و مهمترین اهداف یعنی توپخانه سپاه چهارم و ارتفاعات رادار را به تصرف در آورد. آن جا اولین و آخرین باری بود که صدام حسین تا آستانه اسارت پیش رفت.

سرلشکر ستاد عبدالحمید محمود الخطاب رییس دفتر صدام حسین که از همراهان او در آن ماجرا بود، در خاطراتش چنین آورده است: «در عملیاتی که ایرانی ها نام فتح المبین را روی آن گذاشته بودند، نیروهای ایرانی به منطقه استقرار سپاه چهارم و مواضع ستادی این

سپاه رسیدند. آقای رئیس جمهور [صدام حسین] هم در همین منطقه بود. ژنرال عدنان خیرالله طلفاح - وزیر دفاع - هم بود. فهمیدیم که نیروهای ایرانی، ما را دور زده‌اند. احساس همه ما این بود که به زودی به اسارت در خواهیم آمد. آقای رئیس جمهور مضطرب از ژنرال عدنان خیرالله پرسید: عدنان، بگو چه باید بکنیم؟ عدنان خیرالله جواب داد: سرورم، جای دیگری برای فرار و پنهان شدن پیدا می‌کنم. دوباره آقای رئیس جمهور پرسید: سلاح و مهماتی هم به همراه دارید؟ من جواب دادم: فقط یک قبضه تفنگ داریم. ایشان با خشم و غضب گفت: اگر ایرانی‌ها مرا پیدا کنند، می‌دانید چه می‌شود؟ افراد همراه همگی سعی می‌کردند آقای رئیس جمهور را آرام کنند. او در حالی که به نانک‌های ما که در آتش می‌سوخت، نگاه می‌کرد، دائم زیر لب می‌گفت: لعنت بر آن‌ها، ما را در ورطه جنگ گرفتار کردند. او اسم کسی را نمی‌آورد. فقط به لعنت کردن اکتفا می‌کرد؛ اما من می‌دانستم که منظورش آمریکا و بعضی از کشورهای عربی همسایه‌مان هستند. آن روز ما برای چند ساعتی در محاصره بودیم اما ناگهان یک دستگاه خودرو را که حامل افراد مجروح بود، پیدا کردیم. افراد زخمی را بیرون کشیده و خودمان سوار شدیم. رئیس جمهور وقتی سر جایش نشست، گفت: زخمی‌ها مداوا خواهند شد اما اگر ما اسیر ایرانی‌ها شویم، چه باید بکنیم؟! (السفیر، ۲۹ ژانویه ۱۹۹۶)

یک ماه بعد، نیروهای ایرانی حمله خود را برای بازپس گیری خرمشهر آغاز کردند و این جوان ۲۶ ساله نقش پررنگی در آزادسازی شهر نجیب جنوبی ما داشت: «حسن باقری از اشخاص نادری بود که دوست و دشمن برایش احترام قائل بودند. علتش این بود که حسن یک آدم استثنایی بود.» (بهروز سلیمان‌جاده - از فرماندهان او شد ارتش در دوران دفاع مقدس)

بی‌گمان از معدود کسانی است که از ابتدای شهادتش در بهمن ۱۳۶۱ درباره او تعبیری به کار رفته که درباره کس دیگری گفته نشده است. به گونه‌ای که شهید محمدابراهیم همت که یک سال پس از او در جزایر مجنون به شهادت رسید، چنین گفته است: «خدا شاهد است که در میان فرماندهان ما تعقل و اندیشه ایشان بی‌نظیر بود. طرح مانوری که شرح می‌داد، در اولین شرح انسان می‌پذیرفت و مطلب برایش جا می‌افتاد. غیر از مسأله اندیشه‌اش، در جنگ صلابت و استقامت خاصی داشت. یکی از ویژگی‌های خاص او این بود که صبح عملیات زیر آتش سنگین می‌آمد توی خط و سرکشی می‌کرد و محکم برخورد می‌کرد. اگر واحدی سستی می‌کرد، بازخواست می‌کرد. خدا شاهد است که در کمتر فرمانده‌ای این صفات را دیده بودم. این قدر مهربان باشد و این قدر عالی. بعد از حسن باقری دیگر کسی پیدا نشده.»

شناخت او بدون آگاهی اجمالی از وضعیت روزهای آغازین جنگ ناممکن است. زیرا همان‌طور که در قسمت‌های بعدی گفته می‌شود) دفاع مقدس بود که یک جوان گمنام را تبدیل به مشهورترین استراتژیست نظامی جنگ تحمیلی کرد.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ موجب تحولات عمیق اجتماعی در کشور شد. مردم کوچه و بازار (که از آنان به عنوان کوخ‌نشینان و مستضعفین یاد شده است) دست به بزرگ‌ترین اعتراض اجتماعی زدند و مهمترین تحول اجتماعی-دینی را در کشور پایه‌ریزی کردند.

به یکباره ارکان حکومت پهلوی در هم ریخت و در تمام سطوح حکومتی و اجتماعی تحولات حیرت‌انگیزی به وجود آمد. به طوری که کسانی که قبل از آن جایگاهی در حاکمیت نداشتند، عهده‌دار مهمترین و کلیدی‌ترین مسؤولیت‌ها شدند. در این میان، ارتش ایران که از آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های دنیا نام برده می‌شد، تا آستانه از هم پاشیدگی پیش رفت تا جایی که بعضی از گروه‌های سیاسی خواستار انحلال ارتش منظم کشور و جایگزینی آن با ارتش خلقی شدند.

وقتی ارتش عراق در نیمروز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله خود را با به پرواز در آوردن ۱۹۲ هواپیمای بمب‌افکن و جنگنده بر روی سرزمین ایران آغاز کرد، ارتش ایران در ناآمادگی کامل به سر می‌برد. عدم پیش‌بینی لازم در برابر تهاجم همسایه غربی باعث شد تا ارتش عراق یک جنگ کوتاه‌مدت را طراحی کند و تانک‌ها و سربازانش را روانه خاک کشورمان سازد. به طوری که در کمتر از یک هفته مناطق وسیع غرب دره‌فول، جنوب و غرب اهواز و قسمت‌هایی از استان‌های ایلام و کرمانشاه به تصرف دشمن در آمد.

ارتش نابسامان ایران توانست آن‌چنان که انتظار می‌رفت، در برابر دشمن مقاومت کند و در برابر شدت تهاجم عراقی‌ها مجبور به عقب‌نشینی شد. در چنین اوضاع و احوالی، نیروهای مردمی و سپاه به همراه واحدهایی از ارتش توانستند ۳۴ روز دشمن را پشت دروازه‌های خرمشهر نگه دارند.

حسن باقری در نخستین روز جنگ خود را به اهواز پایتخت جنگ رساند. دربارهٔ نبوغ و شرایط ظهور و بروز آن بسیار گفته شده است. از جمله آن‌که: آسان انجام دادن کاری که در روزهای غیرطبیعی برای دیگران مشکل است. او به محض ورود به اهواز، در پی یافتن گمشده جنگ رفت.

نبوغ وی (آن چنان که به طور مکرر در گفته ها می بینیم) چیزی ورای زندگی بشری نبود بلکه او قدرت آن را داشت که در سختی ها و با رنج و پشتکار در راهی گام بردارد که دیگران آن را یک استعداد خارق العاده نامیده اند. عمده این استعداد از شناخت فرصت ها، تصمیم گیری بر اساس آگاهی دقیق و تلاش و پشتکار به دست آمده است.

او گمشده جنگ را در شناخت عمیق و جمع آوری اطلاعات از دشمن دید. نیروهای دشمن از محورهای مختلف در حال پیشروی بودند و اخبار جامع و دقیقی از چگونگی حمله، مقدار پیشروی و اهداف آن ها نبود. همین نا آگاهی موجب سردرگمی فرماندهان، مسئولین و مردم شده بود؛ به طوری که خیلی زود شایع شد اهواز در حال سقوط است و وحشت و اضطراب شهر را فرا گرفت.

او بلافاصله تیم های شناسایی تشکیل داد و اطلاعات دریافتی را جمع آوری کرد: «در آن برهه، نقش اطلاعات که حسن باقری مسئولیت آن را برعهده داشت، بسیار تعیین کننده بود. ببینید، ما هیچ شبکه ارتباطی بین جبهه ها نداشتیم. نیروهایی پراکنده رفته بودند و در مناطق مختلف دفاع می کردند و هیچ نوع کنترل و اشرافی در فرماندهی آن ها نداشتیم. در آن لحظات، نقش اطلاعات نمود پیدا می کند. او بود که ما را به دارخوین فرستاد. جمع آوری اطلاعات در آن لحظات بسیار مشکل بود. فرصتی که می شد، می آمدم گلف و آن چه را که اتفاق افتاده بود، برای حسن باقری می گفتم. در آن روزها، نقش او در تعیین وضعیت نیروها و تشخیص موقعیت نیروهای خودی و دشمن بسیار تعیین کننده بود. او دائم سعی در جمع آوری اطلاعات از دشمن داشت. به محض این که می رفتیم گلف، هر کدام از بچه ها را می دید، می برد پای نقشه و کلیه اطلاعاتی را که آن فرد داشت، همه را روی کالکی که روی دیوار چسبانده بود، وارد می کرد.» (محمدحسین دقیقی - فرمانده جبهه فیاضیه)

به صورت خودجوش واحد اطلاعات عملیات را در جنگ به وجود آورد. از ابتدای ورود به اهواز، اقدام به جمع آوری وضعیت مناطق عملیاتی روی نقشه های جنگی کرد. به سرعت نیروهای زبده را شناسایی کرد و پس از آموزش مختصر، آن ها را روانه محورهای عملیاتی نمود. گزارش های لحظه به لحظه از وضعیت دشمن و نیروهای خودی موجب شد تا فرماندهان بتوانند ارزیابی درستی از صحنه نبرد داشته باشند. پایگاه گلف که بعدها به منتظران شهادت تغییر نام داد، محل فعالیت او و مقر فرماندهی سپاه در جنگ شد: «آمدیم گلف. روزهای اول جنگ بود. دیدم نوجوانی یک چهارپایه گذاشته زیر پایش و روی دیوار

نقشه می‌چسباند. پیش خودم گفتم دل‌شان خوش است آمده‌اند جنگ، جنگ نیر و تفنگ می‌خواهد! تا آن موقع، پشتش به ما بود. وقتی برگشت، دیدم جوانی است که حتی محاسنش کامل نشده. با او صحبت کردم و او گفت هر روز یک گزارش به من بدهید و ما باید در جریان ریز کارهای جبهه فارسیات باشیم. در همین حین، چشمش به نوشته‌ای افتاد: ۲۰ درصد اطلاعات + ۸۰ درصد عملیات = ۱۰۰ درصد پیروزی. کاغذ را از روی شیشه کند و گفت: این فرمول غلط است. اطلاعات و عملیات مقوله جداگانه‌ای هستند و من می‌گویم اطلاعات ۱۰۰ درصد است. با دلایلی که آورد، دیدم عجب آدم فهمیده‌ای است. بعد همه اطلاعاتی را که ما می‌دادیم، می‌آورد روی نقشه و دست ما را گذاشت توی دست بچه‌های ستاد خراسان. آن‌ها جلوی کارخانه نورد جبهه داشتند و ما در فارسیات بودیم و هر کدام فکر می‌کردیم دیگری عراقی است! بعد فهمیدیم که حسن باقری در همان اتاق همه چیز را می‌بیند، در حالی که ما در صحنه نبرد و روی زمین نمی‌دیدیم. (جعفر اسدی - فرمانده لشکر ۳۳ المهدی در دوران دفاع مقدس)

در حالی که او در حال تشکیل یکی از قوی‌ترین و کارآمدترین واحدهای نظامی در جنگ بود، ارتش ایران در سرتاسر جبهه‌ها با ارتش دشمن دست و پنجه نرم می‌کرد. ابوالحسن بنی‌صدر که فرماندهی کل قوای مسلح را بر عهده داشت، از نزدیک شدن سپاه و ارتش به هم جلوگیری می‌کرد. ارتش چهار عملیات بزرگ را طراحی و اجرا کرد که نتوانست قدمی پیش رود. شکست در این چهار عملیات موجب یأس و ناامیدی فرماندهان نظامی شد. در چنین روزهایی، حسن باقری نوع جدیدی از جنگیدن را پیشنهاد کرد: «این جنگ فرصت‌های طلایی بسیاری برای رشد استعدادها به ما داده است. نیروهای ما با توجه به بُعد انقلابی که دارند و چشم و گوش بسته تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند، می‌توانند از قالب‌های پیش‌ساخته خارج شوند و با فکر سازنده خویش روش‌هایی ابداع کنند که دشمن نخواهد توانست به سادگی و با این نیروها به دفاع برخیزد.» (دست‌نوشته‌ها)

او یکی از سه فرمانده (حسن باقری - رحیم صفوی - غلامعلی رشید) سپاه پاسداران بود که در نیمه دوم ۱۳۵۹، در پی طراحی و تحول در شیوه نبرد بودند و توانستند آن را گام به گام به مرحله اجرا در آورند: «حسن واقعاً یک رهبر بود. تعبیرم این است که او بهشتی جنگ بود. یعنی همان نقشی که مرحوم بهشتی برای انقلاب و امام داشت، حسن باقری همان نقش را برای جنگ و جبهه داشت. قطعاً همه فرماندهان قدیمی جنگ نظرشان این است که اگر حسن

زنده می ماند، در وضعیت جنگ تأثیر داشت. او پرورش دهنده همه ما بود.» (قاسم سلیمانی - فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در دوران دفاع مقدس)

در خرداد ۱۳۶۰ با برکناری ابوالحسن بنی صدر، تحولات جبهه ها وارد مرحله جدیدی شد. از این پس، با اجرای عملیات هماهنگ، فرماندهان ارتش بیشتر با او آشنا شدند: «او انسانی بسیار متعهد، شجاع، خوش فکر، دلسوز و واقعاً مصمم بود. به لحاظ رهبری نظامی، انسان خود ساخته و با نبوغی در این زمینه بود. در برخورد با پرسنل همکارش و مسئولین و در جلساتی که با هم شرکت می کردیم و در کنار هم بودیم، من اصول مدیریت و رهبری را در تمام رفتار و اعمال ایشان می دیدم. شاید ابتدا اگر کسی یا قیافه جوان ایشان برخورد می کرد، نمی توانست او را بشناسد ولی بعداً پی می برد که انسان مدیر و مدبری است.» (حسین حسینی سعدی - از فرماندهان ارشد ارتش در دوران دفاع مقدس)

پس از تفحص در گفتارها، مشاهده می شود فرماندهانی که با وی در ارتباط بوده اند، از سه منظر سلوک فردی، فرماندهی بر نیروها و قدرت تفکر نظامی او را ستایش کرده اند:

□ او فرماندهی در میدان جنگ را با تعهد و اعتقاد دینی در هم آمیخت و توانست یکی از فرماندهان صاحب سبک در نبردها باشد. با توجه به پیشینه ای که در قسمت های بعدی به آن اشاره می شود، او خودسازی انقلابی را از سال های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز کرد. این خودسازی و تربیت درونی موجب شد تا بتواند از تزکیه روح در ارائه شیوه های الهی در فرماندهی بهره جوید. آن چنان که درباره جنگ جهانی دوم نوشته است: «چرچیل درباره خودش گفته است که مردان بزرگ برای روزی ساخته شده اند که ملت ها نمی توانند تصمیم بگیرند. در چنین زمان های حساسی، مردان بزرگ باید وارد صحنه شوند و تحول ایجاد کنند. حال اگر اشتباهی شد و زبانی وارد شد و اصلاً حمله آقای هیتلر از بیخ و بن غلط بود و ۳۵ لشکر فقط برای اشغال یک کشور تلف شد و از بین رفت، مهم نیست و نباید به آن فکر کرد. تعدادی از ارتش آلمان در روسیه اصلاً به دشمن نرسیدند و در سرمای شدید تلف شدند. پاسخگوی این فجایع کیست و آیا کسی اصلاً رسیدگی می کند؟ این یک نوع جنگیدن و فرماندهی است و نوع دیگرش هم فرمانده اسلام بودن است که نسبت به یک قطره خون به ناحق ریخته شده، احساس مسؤولیت می کند و شب خواب به چشمش راه نمی یابد و یک فشنگ ساده را هم بیهوده شلیک نمی کند.» (دست نوشته ها)

او بر اساس آموزه های دینی که انقلاب اسلامی ایران آن را متبلور ساخت، فرماندهی کرد.

این نوع فرماندهی، موجب شد که حرکات و راه و روش خود را با مبانی دینی هماهنگ کند. این موضوع در دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های روزانه وی و خاطرات دیگران به خوبی قابل مشاهده است: «یکی دو ماه از شروع جنگ گذشته بود. از طرف رحیم صفوی به ما مأموریت دادند که برویم آموزش تطبیق آتش و دیده‌بانی ببینیم و در منطقه دارخوین، جایی به نام دکل ابوزر، مستقر شویم. آن‌جا مشغول دیده‌بانی شدیم. یک روز نزدیک غروب از دکل که نزدیک نود متر بود، پایین آمدیم. دیدم یک ماشین بلیزر ایستاده و دو سه نفر از برادران سپاه جنوب با لباس شخصی آمده‌اند. خوب یادم هست، او هنوز ریش نداشت. هر چند صورتش کم‌مو بود. فکر کردم سشن خیلی کمتر از ما است. ما سه نفر بودیم و استدلال می‌کرد که به نوبت یکی بالا باشد، یکی نگهبانی بدهد و یکی تان استراحت کند. ما تند شدیم و گفتیم اصلاً تو چه کاره هستی و... هر سه جواب منفی دادیم. آن‌جا نماندیم و برگشتیم در خطی که به نام خط شیر بود. یکی دو ماهی گذشت. مدتی بود که حمام نرفته بودیم. حسین خرازی چند نفر را برداشت و آمدیم اهواز شهر خلوت بود. حمام کردیم و بعد رفتیم پایگاه منتظران شهادت که به گلف معروف بود. مشغول سرکشی و گشتن بین اتاق‌ها بودیم که وقتی به یک اتاق رسیدیم، حسین خرازی گفت: من این‌جا کار دارم. به محض این که خواست برود، در باز شد و حسن باقری آمد بیرون! یکهو شو که شدم. تمام آن صحبت‌هایی که کرده بودم، مثل یک فیلم تند از جلوی چشم گذشت. خودم را پنهان کردم اما وقتی مرا دید، به روی خود نیاورد. او چنان برخورد کرد که انگار هیچ مطلبی بین ما نبوده (علی زاهدی - فرمانده لشکر امام حسین (علیه‌السلام) در دوران دفاع مقدس)

□ قدرت تفکر و طراحی و ارائه شیوه‌های نو در نبرد و همچنین قدرت تجزیه و تحلیل قوای خودی و دشمن از مشخصه‌های او برشمرده شده است: «از جهت قدرت فکری، قدرتی داشت که می‌توانست همه مسائل را تجزیه و تحلیل و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند که در توان کسی نبود. این ذهن خلاق و روشن او بود که خیلی از طرح‌های جدیدی را که به فکر دیگران نمی‌رسید، مطرح می‌کرد.» (شهید مهدی زین‌الدین - فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب (علیه‌السلام) در دوران دفاع مقدس)

از کسانی بود که با قدرت بالا در تجزیه و تحلیل، شیوه نبرد را بر اساس واقعیات پیش رو تعیین می‌کرد. آن‌چنان که سه ماه پس از آغاز جنگ و در اوج ناامیدی فرماندهان نظامی نوشت: «باید به خود جرأت داد که این نوع جنگیدن به درد نمی‌خورد و لازم است که

استراتژی این جنگ عوض شود. (دست‌نوشته‌ها)

به گواه اسناد موجود، تغییر شیوه نبرد که موجب تغییر وضعیت جنگ شد، در ابتدا در بین فرماندهان جوان سپاه پاسداران مطرح شد و سه تن از آن‌ها در طراحی شیوه جدید نقش اساسی داشتند. از سوی دیگر، ورود سپاه به جنگ در بین فرماندهان دشمن چنان غیرممکن و نامنتظره بود که تا مدت‌ها در سردرگمی به سر می‌بردند. به طوری که نزار صاحب کاظم از فرماندهان عراقی پس از اسارت در بازجویی‌ها چنین گفته است: «گفتم فکر نمی‌کنی که سپاه هم در طراحی عملیات شرکت داشته؟ گفت مسائل نظامی از دوراه به دست می‌آید: اول علم و دوم تجربه. هیچ کدام را سپاه به علت عمر کوتاهش ندارد و من نمی‌توانم نظر بدهم.» (دست‌نوشته‌ها)

شیوه‌های جنگی سپاه پاسداران که بر اساس مقدمات موجود و محدود و با حضور داوطلبان جنگی بی‌ریزی شد، توانست روند جنگ را از حالت رکود خارج کند و عملیات پیروزمند بعدی بر اساس این شیوه‌ها طراحی و اجرا شد. او از ارکان تغییر شیوه نبرد با دشمن بود: «با استفاده از تاکتیک‌های مختص به جنگی که سپاه و بسیج می‌طلبید، یک چیز نو و جدیدی مطرح کرد که با آن امکانات محدود بتوانیم عملیات بزرگ و موفقی به وجود بیاوریم.» (محمد کوثری - فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در دوران دفاع مقدس)

□ در بررسی و شناخت فرماندهان جنگ هشت ساله عمدتاً به دو گروه برمی‌خوریم. یک گروه در صحنه‌های ستادی و طراحی نبرد هنرنمایی کرده‌اند. این گروه در قرارگاه‌ها حضور داشتند و کمتر در میان مردم عادی شناخته شده‌اند. به همین دلیل، با این که در دوران پس از جنگ نام فرماندهان شهید بسیار برده شده اما نام این گروه کمتر به میان آمده است. از سوی دیگر، عده‌ای در صحنه نبرد توان رهبری نمایشی داشته‌اند. این فرماندهان، به خاطر این که با نیروهای مردمی ارتباط زیادی داشته‌اند و همچنین به دلیل شجاعت، صمیمیت با نیروهای تحت امر، برخورداری از روحیه دینی و مردمی و قابلیت‌های فرماندهی در صحنه جنگ، شناخته شده هستند: «وقتی جلسه بود و او کنار نقشه می‌رفت می‌ایستاد، می‌دانستیم که می‌خواهد حرف تازه‌ای بزند. با اقتداری که داشت، جلسه را تحت تأثیر خودش قرار می‌داد. گاه جلسات هفت هشت ساعت طول می‌کشید ولی تا آخر جلسه با نشاط حضور داشت و از کوچک‌ترین جزئیات نمی‌گذشت. در طول دفاع مقدس بی‌اغراق افراد زیادی را دیدم ولی با خصوصیات حسن باقری کمتر دیدم که در شرایط بحرانی بتواند به بهترین نحو عملیات را

هدایت کند و تصمیم صحیحی بگیرد. حسن باقری عصاره تفکر بسیجی در رده‌های بالای تصمیم‌گیری بود. «کریم نصر- فرمانده تیپ ۴۴ قمرینی هاشم (علیه‌السلام) در دوران دفاع مقدس قیافه و اندام لاغر او چنان بود که در نگاه اول کسی تصور نمی‌کرد بتواند در صحنه جنگ قاطعانه فرمان براند اما نشان داد که در کشاکش نبرد صریح‌ترین و قاطعانه‌ترین تصمیم‌ها را گرفته که حتی برای نزدیک‌ترین کسان او نیز غیرمنتظره بوده است. برادر وی در بیان یکی از صحنه‌های عملیات رمضان که در تابستان ۱۳۶۱ در مناطق مرزی شلمچه صورت گرفت، گفته است: «در مرحله دوم عملیات رمضان برای یکی از گردان‌های عمل‌کننده حادثه‌ای پیش آمد. آن گردان در محاصره دشمن قرار گرفته بود. در قرارگاه نصر، حسن بیسیم رده گردان را هم گوش می‌کرد. احساس کرد یکی از گردان‌ها زیادی پیش رفته و ممکن است به محاصره بیفتد. به فرمانده یگان‌ش تذکر داد. همین‌طور هم شد و گردان به محاصره افتاد. شروع کرد به صحبت کردن با فرمانده تیپ و پرسید: الان کجا هستی؟ گفت که در مقر تیپ هستم. گفت: باید بروی، از مواضع عبور کنی، وارد صحنه نبرد شوی و این گردان را از محاصره نجات دهی و تا خودت نیروی، این اتفاق نمی‌افتد. این گردان متوجه نیست و اگر بگویی در محاصره است، ممکن است دست‌پاچه شود و وضع را خراب‌تر کند. آن فرمانده تیپ استدلال آورد که نیازی نیست من بروم و دارم توپخانه را هماهنگ می‌کنم، کار دارم و... برای من عجیب بود؛ با کسی که حداقل دو سال بود شبانه‌روز در جنگ با هم بودند و همدیگر را خوب می‌شناختند، حکم کرد: اگر همین الان از سنگرت راه نیفتی و به سمت خط نیروی و این گردان را نجات ندهی، با تو برخورد می‌کنم. من الان می‌آیم آن‌جا، تو نباید در سنگرت باشی. یا می‌روی در محاصره و به همراه گردان شهید می‌شوی یا این که آن‌ها را از محاصره نجات می‌دهی. گردان محاصره شده در آن طرف و فرمانده تیپ زنده و سالم در این طرف برای من قابل پذیرش نیست. آن چنان برخورد کرد که در سنگر فرماندهی قرارگاه نصر همه رنگ‌شان پرید.»



از حسن باقری نوشته‌های شخصی، اسناد، صوت (به صورت سخنرانی، مصاحبه، مذاکره و جلسات)، نقشه و... بر جا مانده است. همان‌گونه که گفته شد، وقتی جنگ آغاز شد، سردرگمی فرماندهان و مسئولین چنان نمود داشت که او را بر آن داشت تا گزارش‌های روزشمار جنگی را با عنوان «گزارش نوبه‌ای» منتشر کند: «در کمترین زمان، یکی از بهترین

و قوی‌ترین تشکیلات را راه‌اندازی کرد. به‌قدری این سیستم و تشکیلات زنده و پویا عمل می‌کرد که گزارش‌ها به‌سریع‌ترین شکل ممکن به این مرکز می‌رسید و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت و تبدیل به بولتن خبری می‌شد. در واقع، آخرین وضعیت خبری و اطلاعاتی از دشمن، نه تنها به‌دست فرماندهان نظامی بلکه به‌دست مسئولین نظامی و سیاسی کشور هم می‌رسید.» (احمد غلامپور - فرمانده قرارگاه کربلا در دوران دفاع مقدس)

برای تهیه اطلاعات، شبکه وسیع اطلاعاتی تشکیل داد. افرادی را در جبهه‌ها و محورها قرار داد تا اخبار جنگی را جمع‌آوری کنند. از سوی دیگر، گروه‌های شناسایی با وسایل نقلیه پایای پیاده به‌گردآوری اطلاعات پرداختند. با توجه به مسطح بودن زمین در خوزستان، دکل‌های دیدبانی برپا شد و به‌وسیله دوربین‌های قوی تا پشت جبهه دشمن را رصد کرد: «در بحبوحه اول جنگ و درهم‌ریختگی جبهه‌ها اولین قضیه‌ای که فشار می‌آورد، این بود که می‌گفت هر محوری سریع گزارش روزانه‌اش را بدهد. پیگیری هم می‌کرد.» (مرتضی صفاری - فرمانده قرارگاه فجر در دوران دفاع مقدس)

نیرو‌هایی که به کار گرفت، تجربه چندانی در رابطه با کارهای شناسایی و اطلاعات نظامی نداشتند و لازم بود که در عمل آموزش ببینند: «چند روزی جبهه‌ها آرام بود و دشمن هیچ تحرک خاصی که شایسته ثبت باشد، نداشت. من هم گزارشی تهیه نمی‌کردم. روزی مرا دید و پرسید: چرا گزارش نمی‌فرستی؟ گفتم: خبری نیست و اوضاع عادی است. پاسخ داد: عزیز من، تو می‌گویی عادی است و خبری نیست اما برای من همین عادی بودن، یک گزارش است. من بی‌تحرکی دشمن در کرخه و طراح را تحلیل می‌کنم. فوراً برو گزارش بنویس و بیاور.» (علی ناصری - از فرماندهان اطلاعات عملیات در دوران دفاع مقدس)

از سوی دیگر، گزارش‌نویسی نیز دارای آداب و اصولی بود که نیروهای اطلاعاتی در محورها از آن آگاهی نداشتند. همچنان که در اسناد مشاهده شده است، هر کدام از محورها و افراد، بنا به سلیقه و دانش ادبی خود، گزارش‌ها را تنظیم می‌کردند. یکی از نخستین کارها، آموزش گزارش‌نویسی، اطلاعاتی که لازم بود درباره هر خبر بیاید و شیوه نگارش بود: «از مجموع گزارش‌هایی که می‌رسید، گزارش تهیه می‌کردیم و این گزارش‌ها را به‌صورت بولتن خبری روزانه به ارتش، مرکز سپاه در تهران، فرماندهی سپاه، فرماندهی عملیات و ... می‌دادیم. از همان ابتدا، چون آشنایی قبلی با این کار نداشتیم، مشکلات زیادی بود. چه کار باید بکنیم؟ چه بنویسیم؟ شکل و روش مشخصی نداشتیم. او ما را راهنمایی کرد که به این

صورت بنویسد و گزارش‌ها باید به این صورت باشد. جداً برای من سؤال بود که برادر حسن از کجا می‌داند که باید گزارش‌ها را این‌طوری بنویسیم؛ در حالی که نه دوره دیده و نه جایی رفته بود. حس می‌کردیم هر چه هست، از ابتکارهای خودش است.» (شهید حمید معینان - اطلاعات عملیات قرارگاه کربلا)

گزارش‌های روزانه جنگ، یکی از بزرگترین میراث به‌جا مانده از او محسوب می‌شود. با توجه به این که در دوران ابتدایی جنگ، سیستم‌های منظم جمع‌آوری و ثبت اطلاعات وجود نداشت، این گزارش‌ها می‌تواند یاری‌گر پژوهشگران و علاقه‌مندان برای بازخوانی آن روزها و کسب اطلاعات دست اول از جنگ باشد. هر چند در دوره‌های بعدی حسن باقری، بنا به مسئولیت بیشتر در رابطه با عملیات، از اطلاعات فاصله گرفت (و حتی نام افراد دیگر ذیل گزارش‌ها دیده می‌شود) اما همواره بر این کار اصرار داشت: «برای اطلاع دقیق از منطقه و وضع دشمن، بولتن‌های خبری که نتیجه زحمات و تلاش برادر حسن بود و از گلف می‌آمد، می‌خواندم. بولتن‌ها دقیق بودند و مناطق به‌خوبی معرفی می‌شدند. برادر حسن هر ۲۴ ساعت یک بار آخرین وضعیت دشمن را کنترل می‌کرد. برادران حمید معینان، نامدار محمدی، مهدی صابونی، مسعود پیش‌بهار و محمد باقری وی گزارش‌های مختلف، کالک و نقشه‌های عملیاتی کار می‌کردند. گزارش‌های نوبه‌ای کنترل و توسط برادر حسن تدوین می‌شد و در قالب بولتن در اختیار فرماندهان قرار می‌گرفت. به این ترتیب، یک فرمانده می‌توانست از اوضاع و احوال جبهه‌های همجوار و دیگر نقاط اطلاع پیدا کند. وقتی می‌توانیم این موضوع را درک کنیم که شرایط ابتدای جنگ را مدنظر قرار دهیم، جبهه‌های پراکنده، فرماندهانی که هر کدام از یک منطقه به‌مقابله با دشمن شتافته بودند، ناآشنایی با نقاط مرزی، تحرک هر روزه دشمن که موجب جابه‌جا شدن جبهه‌ها می‌شد و... در آن روزها، انتشار بولتن‌ها مهم و حیاتی بود که بعدها صفحاتی از تاریخ مکتوب جنگ را رقم زد.» (فتح‌الله جعفری - فرمانده لشکر ۳۰ زرهی در دوران دفاع مقدس)

این گزارش‌ها در ششم مهر ۱۳۵۹ با شماره یک منتشر شد و انتشار آن بی‌وقفه تا شماره ۵۵۶ در ۲۴ فروردین ۱۳۶۱ ادامه داشت. از این روز انتشار آن (از شماره یک جدید) زیر نظر قرارگاه مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادامه یافت که تا شماره ۱۴۷ در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ منتشر شد.

مجموعه این گزارش‌ها در پنج مجلد منتشر شده است:

- گزارش روزانه جنگ/ کتاب یکم (گزارش های شش ماهه دوم ۱۳۵۹)
- گزارش روزانه جنگ/ کتاب دوم (گزارش های شش ماهه اول ۱۳۶۰)
- گزارش روزانه جنگ/ کتاب سوم (گزارش های شش ماهه دوم ۱۳۶۰)
- گزارش روزانه جنگ/ کتاب چهارم (گزارش های شش ماهه اول ۱۳۶۱)
- گزارش روزانه جنگ/ کتاب پنجم (گزارش های شش ماهه دوم ۱۳۶۱)

این گزارش های روزانه که با همکاری محمدحسین نامداری، مهدی صابونی، حمید معینان، احمد غلامپور، محمد باقری، مزید رضوانی (ترجمه اسناد) و علی افشاری (بازجویی اسرا) تهیه می شد، تنها یک شماره پس از شهادت حسن باقری ادامه یافت؛ هر چند تهیه گزارش و بولتن های جنگی هیچ گاه متوقف نشد و به شکل دیگری ادامه یافت.

□ □ □

اولین تلاش ها برای تدوین مجموعه گزارش های روزانه جنگ در تابستان ۱۳۸۱ آغاز شد. برای شروع کار، ابتدا بازخوانی و تدوین گزارش های روز شمار جنگ مدنظر قرار گرفت. پس از یک تلاش مداوم، این نتیجه حاصل شد که گزارش های جمع آوری شده، عموماً ناقص هستند.

گروه جمع آوری اسناد، دو سال قبل از آغاز تدوین کار خود را آغاز کرده بودند. این گروه، در ابتدا و برای شروع کار، آرشیو و بایگانی پایگاه گلف - منتظران شهادت - را جستجو کردند. پس از پایان نامنظره جنگ در سال ۱۳۶۷ تمام اسناد و مدارک و کالک ها و نقشه های جنگی که ثروت بزرگی برای تاریخ نگاری دفاع مقدس محسوب می شود، بی صاحب در کانکسی - در میان گرمای طاقت فرسای تابستان و سرما و باران زمستان - به حال خود رها شده بودند. گروه تحقیق با استقرار طولانی در شهر اهواز - و سپس رفت و آمدهای متعدد - تک تک اسناد را خواندند و آن هایی را که مربوط به حسن باقری بود، جدا کردند. در ادامه کار، به تمام مراکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان خوزستان سرکشی و عمدتاً بایگانی های مربوط به اطلاعات عملیات را جستجو کردند. از تمام مدارک رونوشت تهیه و به تهران منتقل شد.

در طی این مدت، افرادی مسؤولیت این کار را بر عهده داشتند که آشنایی کامل به اسناد و وقایع سال های ابتدایی جنگ تحمیلی داشتند. از جمله آن ها سید محمدعلی شیخ الاسلام است که از نخستین روزهای جنگ در گلف مستقر بود و بنا به مسؤولیتی که داشت

- مسؤول اعزام نیرو - با افراد، وقایع و اسناد آشنایی کامل داشته است. این جست‌وجوها تا سال ۱۳۸۶ در جنوب و سپس در مراکز مختلف در تهران ادامه پیدا کرد تا سندی از چشم دور نمانده باشد.

گروه تدوین پس از یک سال، در سال ۱۳۸۲ به این نتیجه رسید اسنادی که تایپ و برای تدوین در اختیار گذاشته شده، ناقص است. قسمت عمده‌ای از گزارش‌های روزانه، در ابتدا توسط کسانی حروف چینی شده بود که با این مقوله آشنایی نداشتند. به خاطر عدم آشنایی به مفاهیم و جملات و عدم توجه به اهمیت اسناد، بسیاری از مطالب بر اساس فهم از سند و نوشته حروف چینی شده بود! به همین دلیل، بازخوانی اسناد از نو - با رجوع به اصل سند و گزارش‌های نوبه‌ای - اجتناب‌ناپذیر بود.

از این پس، تدوین مشکل جدیدی را پیش روی خود دید. گذشت دو دهه از پایان جنگ و عدم مراقبت از گزارش‌ها موجب شده بود که بر اثر نم، سرما و گرمای عدم دقت در نگهداری صحیح از اسناد، خوانش و تصحیح متون با اشکال جدی مواجه شود. در این مرحله، هر صفحه به دقت بازخوانی شد و برای کشف کلمات و جملات محو شده و نامفهوم، به فرماندهان و کسانی که از آن موضوع و مطلب اطلاع داشتند، رجوع شد. این مشکل وقتی بیشتر خود را می‌نمایاند که توجه داشته باشیم حدود ۷۰۰ گزارش چند صفحه‌ای همراه با چندین پیوست، در حجمی حدود ۳۰۰۰ صفحه که هم اکنون در پنج جلد منتشر شده است، باید کلمه به کلمه و جمله به جمله مورد بررسی قرار می‌گرفت تا از تمام خطاها و غلط‌های احتمالی حذر شود.

هر چند زمان مانند باد گذشت اما این بازنگری، زمانی به مدت دو سال را به خود اختصاص داد و در این مدت، گزارش‌ها مورد بررسی دقیق از سوی مؤلف و تدوین‌گر و همچنین فرماندهان مرتبط قرار گرفت.

در این زمان، مشکل دیگری نمود پیدا کرد. کمی پس از آغاز جنگ تحمیلی، سازمان‌های نظامی هر کدام بنا به فراخور مأموریت خود، گزارش‌های دنباله‌داری را انتشار داده‌اند که عموماً نام گزارش نوبه‌ای بر صفحه اول آن‌ها الصاق شده است که بنا به عدم آشنایی اولیه و شناخت کافی از موضوع، در طرح از آن‌ها استفاده شده بود. به همین دلیل، لازم بود که گزارش‌های نامربوط شناسایی و از گزارش‌های موضوع طرح جدا شوند. پس از حذف گزارش‌های غیر مرتبط، جست‌وجو برای یافتن گزارش‌های مفقوده از نو آغاز شد.

گزارش‌های نویه‌ای در طول مدت انتشار حداکثر در ۳۰ شماره منتشر می‌شدند. به‌خاطر محرمانه بودن آن‌ها و عدم وجود بایگانی در سال‌های ابتدایی جنگ تحمیلی، به‌خصوص در محورهای عملیاتی و جبهه‌ها، بسیاری از افراد و جای‌ها که یک نسخه از گزارش برای آن‌ها ارسال می‌شد، پس از مطالعه گزارش - بنا به‌روش مرسوم در آن زمان - آن را معدوم می‌کردند. به‌همین خاطر، مکان‌های بسیار کمی وجود دارد که بایگانی اسناد آن دوره را دارا باشند. در این مسیر، مراکز مختلف بایگانی و نگهداری اسناد در سپاه پاسداران، شورای عالی دفاع، آرشیوهای شخصی مسئولین و فرماندهان، مرکز تحقیقات جنگ، مراکز سپاه پاسداران در شهرهای مختلف استان خوزستان از جمله حمیدیه، سوسنگرد، اهواز، هویزه، دزفول، آبادان، ماهشهر، شوش و... مورد جست‌وجوی مجدد قرار گرفت.

پس از کامل شدن نسبی گزارش‌های روزانه (هر چند تا پایان نیز بعضی از شماره‌ها همچنان یافت نشد) تلاش برای اصلاح و درست‌نویسی اسامی خاص آغاز شد. مرکز یا نهادی اقدام به ضبط صحیح نام‌های خاص (روستاها، رودها، تپه‌ها، مناطق و...)، پیشینه و وضعیت جغرافیایی اسامی موجود در گزارش‌ها و اسناد روزها و ماه‌های آغازین جنگ تحمیلی نکرده است. به‌همین دلیل، لازم بود اسامی به‌صورت درست ثبت و ضبط شوند.^(۱)

موضوع جالب و قابل بحث و تحقیق در جست‌جوی اسامی، بررسی سیر دگرگونی املائی آن‌ها بود. به‌دلیل بافت خاص در اکثر نقاط استان خوزستان، اسامی در گذشته به‌صورت عربی تلفظ و ضبط شده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به روستایی به‌نام ابوحمیظه اشاره کرد. با آغاز جنگ تحمیلی، افراد از نقاط مختلف کشور برای دفاع به این منطقه روی آوردند. به‌هنگام نام بردن و در گزارش‌نویسی توسط این افراد، ابوحمیظه کم‌کم به‌صورت ابوحمیزه و سپس ابوهمیزه نوشته شد و رواج یافت. به‌صورتی که دو حرف ح و ظ به‌ه‌و ز تبدیل شدند. مثال دیگر، روستا و منطقه‌ای به‌نام مگاصیص می‌باشد که کم‌کم تبدیل به مگاسیص = مگاصیص و سپس مگاسیص شده است.

این تغییر املائی آن‌چنان به‌وفور مشاهده می‌شود که گاه تحریف بعضی اسامی موجب شده تا معنای آن‌ها از دست برود. به‌علت همزیستی و مراوده ساکنین عرب جنوب عراق و

۱- این اقدام به‌صورت علمی و با تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای آغاز شد؛ به‌صورتی که در پایان انتشار مجموعه آثار شهید حسن باقری، فرهنگ‌نامه مکان‌ها و اشخاص منتشر می‌شود که می‌تواند مرجع اهل فن و علاقه‌مندان باشد.

خوزستان ایران با فارس زبان‌ها، بسیاری از کلمات فارسی وارد زبان آن‌ها شده است. همچنین آن‌ها گاه در محاوره و نام‌گذاری، از حروف فارسی استفاده می‌کنند که به عنوان مثال می‌توان به نام جذابه اشاره کرد.

جذابه = جزابه تنگه‌ای در منطقه مرزی ایران و عراق (در حوالی شهر بستان) است که نام آن از کذابه (بیار دروغگو) مشتق شده است. اما به تدریج، در نوشتار، املای آن به صورت جزابه در آمده که از معنای اصلی آن به دور است. از موارد دیگر می‌توان به علوان (نام روستایی در جنوب غربی سوسنگرد) اشاره کرد. علوان یکی از شیوخ بزرگ عبدالخانی است که نام وی بر این روستا گذاشته شده است. املای این نام به تدریج به الوان تغییر یافته؛ به طوری که امروزه این نوع نگارش کاملاً مصطلح شده و از املای قبلی کمتر استفاده می‌شود. این در حالی است که الوان (جمع کلمه لون) می‌باشد که با املای قبلی این نام هیچ گونه تفاهم معنایی ندارد. برای اطلاع و آگاهی از درست‌نویسی، به متون تاریخی، جغرافیایی و کتاب‌های خاطرات فراوانی مراجعه شد تا بتوان شیوه مناسبی را برای اعمال در کتاب برگزید. پس از یک دوره تحقیق و مطالعه و با توجه به این دانسته‌ها، روش درست‌نویسی در متن این چنین اعمال شده است:

□ هر چند در بعضی موارد املای متفاوت و گاه غلط معنی اسم را از بین برده ولی هم‌اکنون نوشتن بدین صورت شایع است و در کتاب‌های تاریخی، جغرافیایی و خاطرات دفاع مقدس اعمال می‌شود. در این گونه موارد، اسامی به همان صورتی که در گزارش نوشته شده، در کتاب آمده است.^(۱) از جمله این اسامی، عبارتند از: تنگه صعده = تنگه صعده، دب‌کردان = دب‌کردان، دحیمایه = دحیمایه، مگاصیص = مگاسیص، جذابه = جزابه، علوان = الوان.

□ گاه اسامی به غلط ضبط شده‌اند که مشابه آن دیده نشده و در جایی اعمال نشده است. در این گونه موارد، املای صحیح کلمات آمده و یا داخل قلاب نام صحیح نوشته شده است. از جمله: مقصر: (مکسر) مکسر، مرئی: مرعی، جابر همدان: جابر حمدان، ابوهیمیزه: ابوحمیظه.

□ در استان خوزستان، گاه یک روستا در گذشته در یک مکان بوده اما به تدریج در کنار آن روستای دیگری با همان نام به وجود آمده که برای جلوگیری از اشتباه، با شماره مشخص می‌شوند. برای جلوگیری از غلط‌خوانی (به خصوص در مواردی که پس از نام روستا

۱- هر چند در فرهنگ نامه به همه این موارد به صورت کامل پرداخته نخواهد شد.

به عددی اشاره می‌شود) ^(۱) شماره روستا یا مناطق به صورت نزدیک حروف چینی شده است. به عنوان نمونه: صفحه یک، صفحه ۲، سکینه یک، سکینه ۲، ایستگاه ۷، ایستگاه ۱۲.

□ گاه دو روستا با املاهای متفاوت در منطقه وجود داشته که غلط‌نویسی موجب شده تا روستای دیگری - در منطقه متفاوت - مورد توجه قرار گیرد. از جمله آن‌ها نام روستایی به نام دغاغله (در ۱۳ کیلومتری جنوب غرب سوسنگرد) در اکثر گزارش‌ها به همین صورت ضبط شده اما در بعضی موارد با املاهای متفاوت دقاقله یا دقاغله آمده است. با توجه به این که روستای دیگری با نام دقاقله ^(۲) (در ۳ کیلومتری شمال اهواز) وجود دارد، نام روستا تصحیح شده تا موجب اشتباه نشود.

□ در مواردی، به دلیل آشنایی کسانی که گزارش‌های روزانه برای آنان ارسال شده است، در متن به نام دقیق اماکن اشاره نشده که امروزه موجب غلط‌خوانی یا اشتباه جغرافیایی می‌شود. به عنوان نمونه، در دشت آزادگان دو رود سابل و کرخه کور (کرخه نور) جاری است اما در همین منطقه، روستاهایی نیز با نام‌های سابل و کرخه کور وجود دارد. همچنین دهلیز نام روستایی در جنوب جاده حمیدیه-سوسنگرد و تپه دهلیز، یکی از مناطق مهم در عملیات فتح‌المبین محسوب می‌شود. در مواردی که نام منطقه ذکر نشده و عدم اعلام نام تپه یا روستا موجب اشتباه می‌شود، این موارد به صورت کامل آمده است.

□ پس از نبرد خونین در ۲۴ مهر ۱۳۵۹ در خرمشهر و مقاومت مردمی، ستاد تبلیغات شورای عالی دفاع در اطلاعیه‌ای نام شهر را به خونین شهر تغییر داد. این نام‌گذاری تا پایان اشغال شهر ادامه داشت و در سوم خرداد ۱۳۶۱ خونین شهر دوباره خرمشهر شد. در گزارش‌های این دوره، در بیشتر موارد، نام خونین شهر آمده است. برای یک‌دست شدن متن، مواردی نیز که خرمشهر بوده، تغییر داده شد.

□ در نیمه اول ۱۳۶۰ عملیات محدود بسیاری در جبهه‌ها انجام گرفت. این عملیات محدود، سرآغاز عملیات بزرگ محسوب می‌گردند که اولین آن، در روزهای نخست مهر ۱۳۶۰ (جلد بعدی) انجام گرفت. گزارش عملیات محدود شش ماهه در این کتاب آمده است.

□ با وجود تلاش گروه‌های جمع‌آوری، شماره‌های ۳۳۷ و ۳۴۸ پیدا نشد که گزارش آن

۱- مثال: در مقابل روستای صفحه ۲ دودستگاه تانک دشمن منهدم شد.

۲- در نوشته‌های آن دوران، همواره املاهای آن به این صورت ضبط شده است.

در کتاب نیامده است.

□ باتوجه به پیوسته بودن مجموعه پنج جلدی "گزارش روزانه جنگ"، زندگی نامه مختصر شهید حسن باقری فقط در جلد اول ارائه شده است تا مخاطب بتواند شناخت مختصری از زندگی وی پیدا کند؛ هرچند زندگی نامه مستقل - بانگاه به تمام زوایای زندگی به طور کامل - در ادامه انتشار "مجموعه آثار شهید حسن باقری" ارائه خواهد شد.

امید است که پس از تلاش چند ساله، مجموعه پنج جلدی گزارش روزانه جنگ بتواند گزارش جامع و دقیقی از وقایع سال های نخستین جنگ تحمیلی ارائه کند. ما اعتقاد داریم که آن دوران، از سرنوشت سازترین روزهای تاریخ ملت ایران محسوب می شود که مرد بزرگی به نام حسن باقری آن ها را ثبت و ضبط کرده است. آن روزها و این مرد، ستاره درخشان تاریخ کشور محسوب می شوند.